

۲۲ نفر در آتش سوزی شناور خارجی در آب های عسلویه نجات یافتند. محمد شکویی نسب، مدیرکل بندار و دریانوردی استان بوشهر به این بافتا گفت؛ ساعت ۱۴ بعدازظهر پنجشنبه نوزدهم مرداد امسال از تانکرهای مستقر در لنگرگاه منطقه ویژه انرژی اقتصادی پارس خبری به کنترل ترافیک دریایی عسلویه رسید مبنی بر وقوع آتش سوزی روی تانکر

نجات ۲۲ نفر

از شناور آتشین

ویژه حمل گاز ال بی جی به نام White Purl که پس از هماهنگی های لازم شناورهای آتشیخوار و ناچی به لنگرگاه اعزام شدند. به دلیل وجود گاز ال بی جی در مخزن کشتی خارجی کاپیتان دستور ترک کشتی را صادر و تمامی ۲۲ نفر خدمه، کشتی حادثه دیده را ترک کردند. ۲۲ سرنشین شناور حادثه دیده توسط شناور ناچی ۲۰مستقر در مرکز فرعی جست وجو و نجات عسلویه به بندر خدماتی پارس منتقل

جزییات مرگ تلخ ۶عضو یک خانواده بر اثر انفجار گاز در باغملک

انفجار مرگبار در سحرگاه روستا

شش کشته، حاصل انفجار مرگباری بود که صبح روز پنجشنبه هفته گذشته در خانه‌ای مسکونی در روستای لالاب شهرستان باغملک در خوزستان رخ داد و اعضای یک خانواده را به کام مرگ فرستاد. در حالی که گفته می‌شود گاز خانگی عامل انفجار بوده اما به گفته وحید شعبانی، مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان خوزستان، علت وقوع حادثه از سوی کارشناسان در دست بررسی است.

دیروز مراسم خاکسپاری اعضای این خانواده در روستای لالاب برگزار شد. اهالی غمگین و حیرت زده‌اند و مرگ ناگهانی همولایتی‌های‌شان برای شان قابل هضم نیست، این‌که مومد، پدر خانواده را دیگر نمی‌بینند، بی بی جان، مادر خانواده دیگر نیست که با او چاق سلامتی‌کنند، علی محمد پسر جوان خانواده در اوج جوانی رفت. غم‌بارتر از همه، پریر شدن سجاد، سهیل و محمد، نوه‌های خانواده دل روستاییان را ریش کرد.

اهالی در تمام مدتی‌که مشغول برگزاری مراسم عزاداری بودند، به لحظاتی فکر می‌کردند که به خانه مومد رفتند و دیدند روی سر ساکنانش آوار شده است. انگار که زلزله‌ای قوی فقط به جان خانه مومد زده و آن را زیر و رو کرده بود. صبح روز حادثه، هنوز بسیاری از روستاییان خواب بودند و جز صدای سگ و آوازخوانی پرنده‌ها، صدای دیگری به گوش

نظمیة

گروگانگیری ماموران قلابی در خیابان

سرهنگ و سروان قلابی شیشه‌ای که به پنهان دستگیری مردم از آنها سرقت می‌کردند، در سرقت آخر طعمه‌های خود را گروگان گرفتند اما با شجاعت اهالی دستگیر شدند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، اوایل هفته گذشته سه مرد جوان بعد از پایان مراسم یک هیات مذهبی در غرب‌تهران بیرون آمده و قصد بازگشت به خانه‌های‌شان را داشتند که دو مرد را دیدند که در بوستان راه دو نفر را سد کرده و یکی از مهاجمان مسلح است. آنها دستبند و بی سیم نداشتند و همین باعث شک‌شان شد و به سمت آنها رفتند اما توسط دو مامور قلابی به گروگان گرفته شدند. اهالی که با سروصدای آنها متوجه ماجرا شده بودند دو مرد گروگانگیر را دستگیر کرده و با پلیس تماس گرفتند. با حضور ماموران، در بازرسی‌بدنی از متهمان دومیلیون تومان پول نقد کشف کردند. دو مامور قلابی به پلیس آگاهی تهران منتقل شدند و اظهارات ضدوتناقضی را مطرح کردند اما سرانجام دو روز پیش به گروگانگیری خیابانی و نیز جعل عنوان پلیس برای سرقت اعتراف کردند. مصطفی تقی‌زاده، بازپرس شعبه پنجم دادسرای ناحیه ۲۴ تهران با تأیید این خبر به جام‌جم گفت؛ با اعتراف‌های متهمان تحقیقات از آنها ادامه دارد.

«شیشه» نابودمان کرد

سعيد و وحيد با يك دستبند به هم وصل شده بودند. باورشان نمی شد كه گرفتار شده‌اند و مدام می‌گفتند باور كنيد شیشه‌ای هستيم و سر توهم موادمخدر دست به این كار زديم.

سعید چه کاره‌ای؟

قنادم و پس از آشنایی با وحید سارق شدم.

چطور با وحید دوست شدی؟

او آرایشگر است، پنج ماه قبل با هم در پاتوق مصرف موادمخدر شیشه آشنا شديم.

سلاح را کجا آوردی؟

شش ماه قبل اینترنتی پنج میلیون تومان خریدم.

چه شد پلیس قلابی شدید؟

معناد به شیشه بودیم و هردو از کارمان اخراج شدیم. همین باعث شد یکی سرهنگ و دیگری سروان قلابی شده و سارق شویم.

از شیوه سرقت ها بگو.

اتباع افغانستان را شناسایی و با تهدید به دستگیری به‌عنوان مهاجران غیرقانونی، پول‌های‌شان را سرقت و بعد آنها را رها می‌کردیم. بعد سراغ افراد معناد، قاچاقچی و سارق می‌رفتیم و با تهدید به دستگیری کارت بانکی‌شان را خالی می‌کردیم.

از گروگانگیری آخرتان بگو.

آن شب تصمیم به سرقت گرفتیم. سلاح را برداشته و با مصرف شیشه از خانه بیرون زدیم. انگار قدرت‌مان چندبرابر شده بود. در بوستانی در غرب‌تهران بودیم. دو رهگذر را دیده و دنبال‌شان رفتیم. وانمود کردیم پلیس هستیم و به ما گزارش شده آنها معناد و فروشنده مواد هستند. هرچه التماس کردند اشتباه آنها را گرفته‌ایم فایده نداشت. در بازرسی‌بدنی پول‌های‌شان را سرقت کرده و می‌خواستیم آنها را ببریم تا حساب بانکی‌شان را خالی کنیم که سه رهگذر برای نجات آنها اقدام کردند. من آنها را گروگان گرفتم تا از آنها سرقت کنم که مردم ریختند سرمان و دستگیر شدیم.

شدند که اکنون در سلامت کامل به‌سر می‌برند. مدیرکل بندار و دریانوردی استان بوشهرخاطر نشان کرد: عملیات اطفای حریق با توجه به کج شدن کشتی به سمت راست غیرممکن است.

برای اطفای کامل حریق در این کشتی باید پس از سوختن ۴۰ تن گاز ال بی جی موجود در شناور، مرحله نهایی عملیات اطفای حریق اجرایی‌شود.



بسیار ترسناک بودوما حالا عذار عزیزان مان هستیم،» بعد از انفجار، اورژانس، امدادگران هلال احمر و نیروی انتظامی به روستای لالاب رفتند و پس از قطع انشعاب گاز و برق، آواربرداری آغاز شد. دو ساعت بعد اجساد هر شش نفر از زیر آوار خارج و تحویل اورژانس شد. آن‌طور که علی سپهد، دهیار روستا توضیح می‌دهد

محکمه

شلیک مرگبار به پدرخوانده

پسر جوان به اتهام قتل در بزرگراه امام علی (ع) محاکمه می‌شود

موتورسیکلت دارد به او مشکوک شده و برای تحقیقات به اداره آگاهی احضارش کردند. پسر ۱۹ساله در تحقیقات مدعی شد، با پدرخوانده‌اش ارتباط خوبی دارد و حتی نزد او کار می‌کرده‌است. او در ادامه قبول کرد این اواخر با مقتول اختلافاتی پیدا کرده‌ام در حدی نبوده که باعث قتل شود و شب قبل آشتی کرده بودند.

این در حالی بود که بررسی‌های پلیسی نشان داد، تلفن امیر شب حادثه در حوالی محل قتل آنتن داشته و بر خلاف ادعایش که می‌گوید در خانه بوده، در محل قتل حضور داشته است. با کشف این سرنخ‌ها امیر لب به اعتراف باز کرد و گفت: من و پدرخوانده‌ام رابطه خوبی نداشتیم و او با اصرار مادرم سرکار برده بود.

آخرین بار که به خانه‌رفتم با فرزندان محسن مشکل پیدا کردم و او وقتی فهمید، رفتار خوبی در برابر من نشان نداد. همین باعث شد از او کینه به دل بگیرم. چند وقت قبل از یک غریبه در پارکی یک اسلحه کلت خریده بودم. همان شب تصمیم



به انتقام گرفتم و وقتی برای کار از خانه بیرون رفت با موتور تعقیبش کردم و در اتوبان امام علی (ع) کنارش رفته و گلوله‌ای شلیک کردم. سریع به خانه مادرم رفتم تا کسی به من شک نکند. اما ماموران دستگیرم کردند و راز قتل فاش شد. پس از اعتراف متهم به این قتل و تکمیل تحقیقات در دادسرای جنایی برای امیر کیفرخواست صادر و پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد. این درحالیست که اولیای دم برای او درخواست قصاص کرده‌اند.

عدلیه

بازی خوب پلیس برای دستگیری قاتل فراری

سر مسائل خانوادگی و طایفه‌ای اختلاف داشتیم. در افغانستان هم چند بار با هم درگیر شدیم. وقتی برای کار به ایران آمدمیم، یک شب برادرم برای شرکت در جشنی به خانه یکی از اقوام رفته بود. پسر دایی‌ام نیز آنجا بود که با برادرم درگیر شد و او را با جاقوز. برادرم نزدم آمد و ماجرا را برایم تعریف کرد. بعد دو جاقوز برداشتیم و به محل مهمانی بازگشتیم. وی افزود؛ با پسر دایی‌ام درگیر شدیم و دعوایمان بالاگرفت. من با او و برادرم با مرد صاحبخانه درگیر شدیم و با زخمی کردن هردوی‌شان فرار کردیم. در میانه‌راه جاقوها در خیابان انداختیم. روز بعدوقتی فهمیدیم پسر دایی‌ام فوت کرده‌با پرداخت پول به قاجاق برها راهی افغانستان شدیم. حتی خانواده‌دایی‌ام در آنجا دنبال ما بودند تا ما را به قتل برسانند. بعد ارنهچ سال که آنها از اسباب افتاد و پیدایم نکردند، از طریق قاجاق برها به ایران بازگشته و به خانه خاهرم در اصفهان رفتم و در کارگاهای مشغول به کار شدم که در آنجا پلیس رد مرز ازه با زداشت شدم. امیرحسین علیمردان، بازپرس شعبه دهم دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر گفت؛ متهم در بازداشت به سر می‌برد و پلیس به دنبال دستگیری برادر متهم به قتل است.



حوادث

🕒 کوتاه‌ازحوادث

۳ قربانی خودسوزی و عمل جراحی

مردی بعد از خودسوزی در خیابان و مادر و جنینی بعد از عمل جراحی در دو بیمارستان در تهران جان باختند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، شامگاه پنجشنبه نوزدهم مرداد امسال یکی از ماموران کلانتری ایوبسعید تلفنی به بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران اطلاع داد مردی به دلیل سوختگی در بیمارستان بستری بوده که اکنون فوت شده‌است. باتوجه به مشکوک بودن ماجرا، با دستور قضایی تحقیقات ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران آغاز و در جریان تحقیقات معلوم شد، این مرد۴۰ساله سه روز قبل در یکی از خیابان‌های شهرستان پاکدشت با انگیزه‌ای نامعلوم روی خود بترین پاشیده و با زدن فندک خود، را مقابل دیدگان مردم سوزانده‌است. اهالی یاریختن آوای روی بدنش توانستند شعله‌های آتش را خاموش کنند. بعد از او به بیمارستان منتقل کردند اما با توجه به وخامت حالش بعد از دو روز فوت شد.

ساعاتی از گزارش مرگ این مرد به بازپرس جنایی تهران نگذشته بود که مرگ مادری باردار و جنین وی در یکی از بیمارستان‌های پایتخت به او گزارش شد. با دستور قضایی تحقیقات در این باره آغاز و معلوم شد این زن باردار برای درمان از سوی خانواده‌اش به بیمارستان منتقل شده که حالش بدشده و تحت عمل جراحی قرار گرفته که همین باعث شده این زن جوان و جنینش فوت کنند.

امیرحسین علیمردان، بازپرس شعبه دهم دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر گفت: پرونده مرگ مرد ۴۰ساله که در پاکدشت دچار حادثه سوختگی شده بود با نبود صلاحیت رسیدگی به دادسرای پاکدشت و پرونده مرگ مادر باردار و جنین فوت شده او با توجه به شکایت خانواده‌اش به دادسرای جرایم پزشکی تهران ارسال شد.

ضرب و شتم کارشناسان اورژانس

رئیس مرکز اورژانس خوزستان از ضرب‌وشتم کارشناسان اورژانس اهواز و وارد شدن خسارت به آمبولانس هنگام ماموریت خبر داد. دکتر فرهنگ کرندی به ایسنا گفت: ساعت یک و ۵۱ دقیقه بمداد جمعه یستم مرداد امسال، در پی اعزام تیم عملیاتی اورژانس منطقه شبیان به کوی امام خمینی (ره) این شهر برای امدادرسانی به بیمار قلبی ۵۷ساله، پس از انجام اقدامات درمانی اورژانسی برای بیمار و هنگام انتقال به بیمارستان، افرادی در محل حادثه به پنهان‌های واهی، پرسنل اورژانس را مورد حمله و ضرب‌وشتم قرار دادند. وی افزود: در این ماجرا شاهد سعه‌صدر و تلاش همکاران مان آقایان چنانی و شیخی بودیم اما علاوه بر صدمات جسمی به پرسنل به آمبولانس خدمت‌رسان نیز خسارت وارد شده‌است. کارشناسان اورژانس اهواز و وارد شدن خسارت به آمبولانس هنگام ماموریت خبر داد.

رانش خطرناک زمین در کرج



حادثه رانش زمین در محدوده‌ای از اراضی موسوم به تپه ا...اکبر منطقه حصار، بخیر گذشت.

مهرداد کیانی، شهردار البرز در این باره به جام‌جم گفت: این اتفاق صبح پنجشنبه ۱۹ مرداد امسال رخ داده و در پی آن به تعدادی از پلاک‌های مسکونی در منطقه حصار کرج خسارت وارد شد.

اقدامات لازم برای تأمین ایمنی ساکنان پلاک‌های مجاور در حال انجام است و به منظور اطمینان خاطر از عدم تسری ابعاد حادثه تأسیسات گاز، برق و آب به‌طور موقت از مدار خارج شده‌است. این حادثه بخیر گذشت و کشته و مصدوم نداشت. قرار شد کارشناس رسمی دادگستری برای تعیین علت دقیق رانش، آنجا را مورد بررسی قرار دهد و نظریه خود را اعلام کند. به گفته شهردار کرج، این حادثه به ریزش یک ساختمان منجر شد و روند ایمن‌سازی آغاز شده‌است.